

اسلام از دریچه چشم يك تازه مسلمان

من «اسلام» را دیدم که مسلمان شدم !
اگر این «مسلمانان» را دیده بودم مسلمان
نمی شدم !!

از قیافه او پیدا بود خارجی است ، حرکات او نیز این حقیقت را تأیید میکرد ، در حضور اهل مجلس که از محترمترین بودند پاهای خود را دراز کرده بود ، اما پیدا بود که از این جهت ناراحت است ؛ ولی مثل اینکه هرگز «مثل ما» چهارزانو» یا «دوزانو» نشسته و اسلا بلد نبود اینطور بنشیند .
میگفتند تازه مسلمان شده و علاقه شدیدی هم با اسلام - بخصوص مذهب شیعه - پیدا کرده ، و بنسبعت یکی از دوستان ایرانی خود کهدر لندن ، بادی آشنا شده بود به ایران آمده است .

قرائن نشان میداد اسلام آوردن او مسلمانی سیاسی نیست ، بلکه راستی مجذوب و شوقین آئین اسلام شده است .

بالاخره معلوم شد که راتر مطالعات زیاد درباره اسلام و تماس با يك دانشمند مسلمان خارجی بافتنار این آئین پاك نائل گردیده است .

اطلاعات وی در باره اسلام بسیار خوب و عمیق بود ، پخته حرف میزد ، و مترجم ایرانی او نیز و نه مترا ، خوب سخنان او را بفارسی ترجمه مینمود .

جلسی کاملاً آماده بحث و گفتگو بود ، گفتیم از فرصت استفاده کرده چند سؤال از این آقای تازه مسلمان کرده و بر معلومات خود چیزی بیافزائیم .

سؤال : ببخشید ، ممکن است بفرمائید کدامیک از «عقائد» و «احکام» اسلام بیشتر شمارا بخود جلب کرده است ؟

ج : در میان عقائد اسلام موضوع «توحید و یکتائی خدا» اثر عمیقی در من گذارده است ، من این اصل را مهمترین و عالیترین عقائد اسلامی میشناسم و تصور نمیکنم هیچ مذهبی خدا را چنین عالی و صحیح معرفی کرده باشد .

آری اوست داشتن سخن را بگوید ، زیرا ما را در برابر تثلیث خرافی مسیحیت که انسان را در مقابل سه خدا ، و با عبارت دیگری شریک سه پاهای الوهیت با اختیارات و مسئولیت محدود ! سرگردان میازد ، قرار داشت ، تازه تکلیف او در برابر خدایان سه گانه نوزودن بود ، زیرا با قبول اصل و تثلیث ، باز دست از سرا و بر نمیداشتنه و نوبت به مسئله «وحدت در تثلیث» میرسید ، یعنی مجبور بود که در عین اینکه خدا را سه گانه بداند و يك گانه ، هم بداند ، حالا کدام ریاضی دان میتواند يك چنین فورعول عجیب و پاورنکردنی را حل کند ، برای آنها اهمیت نداشت ، و اگر زیاد اصرار و پافشاری میکرد باو میگفتند : این از اسرار است و باید تعجب پذیرفت و زیاد چون و چرا نباید کرد ! ... بگذریم .

بفرمائید از میان دستورات و احکام اسلام کدامیک بیشتر نظر شما را بخود جلب نموده ؟

از میان این تملیحات عالی مسئله «مساوات» ، مساوات تمام ملتها و نژادها و اقوام و طوایف در پیشگاه خدا و در برابر قوانین الهی فوق العاده در من اثر گذارده است .

چنین آئین است که می تواند هم دوش با ترقی جهان انسانیت پیشروی کند و جهانی آرام و مملو از صلح و عدالت و مساوات بوجود آورد .



شما که شاید چند ما است در میان ما ایرانیان بر سر میزیند میتوانید بگوئید «بهترین» و «عالیترین» صفتی کهدر ما مشاهده کرده اید چیست ؟

مدرت است ، میخواهم بمتدیمن بدترین چیزی که در شما ایرانیان دیده میشود دروغ است آری دروغ ! همه بهم دروغ میگوئید ! و بدبختانه این صفت زشت در میان تمام طبقات ریشه دوانیده ، و عجیب است که از این جهت ناراحت هم نیستند !

و ما عالیترین سفت شما ، همان عواطف و محبت های شماست ، اصولاً عاطفه و محبت در

مشرق زمین بسیار بیشتر از مغرب زمین است ، این عواطف گرم مخصوصاً در خانواده ها و اقوام و خویشاوندان ناشاع زیادی افراد را بهم پیوند میدهد و يك زندگی شیرین در حرولت برای آنها

بیار میآورد .

ما اینطور فکر میکنیم دین عمومی جهانیان در آینده فقط اسلام خواهد بود ، و امروز

دنیا بر سر دوراهی قرار دارد و یا باید اسلام را قبول کند و یا بیدین خواهد شد، زیرا ادیان و مذاهب دیگر نمیتوانند بنیاز مندرجهای روح و جسمی بشر در عصر مایه‌سرخ کویند، آیا شما هم چنین فکر میکنید؟

بله، ومن عقیده دارم اسلام مزایای هر يك از دو مکتب جهانی «سوسیالیسم» و «کاپیتالیسم» را دارد و از عیوب و نقائص آن دو برکنار است و بهین دلیل اگر اسلام بطور صحیحی بجهان نیاورد معرفی شود از آن استقبال خواهند کرد، ولی متأسفانه دستگاه‌های تبلیغاتی مسلمانان بسیار ناقص است...

این بود خلاصه گفتگوهایی که میان ما و این برادر نازم مسلمان رد و بدل شد که با توضیحات مختصری از نظر خوانندگان گذشت، هم آموزنده است و هم اسف انگیز و دردناک! ولی یکی از دوستان دانشمند که در آن مجلس حاضر بود گفتار تأسف آمیز دیگری از وی نقل عی کرد که او پس از تماس با جمعی از مسلمانان وظیفه نقیاس با کمال ناراحتی اظهار داشته بود:

من اسلام را دیدم که مسلمان شدم! اگر این مسلمانان را دیده بودم شاید مسلمان نمی شدم... در اینجا یاد دیگر این حقیقت دردناک بر ما ناپت شد که این ما هستیم که ضعیفترین حجاب‌ها را بر روی ستاین نورانی اسلام افکنده ایم! آیا اگر ما راست مسلمان باشیم و بهین دستورات عالی عمل کنیم اسلام را تسکیر نخواهد شد؟

درست است که هنوز در میان مسلمانان عدمی یافت میشوند که افکار و اخلاق آنها نمونه‌ای از افکار و اخلاق پیشوایان بزرگ اسلام است و خود آنها در هر کجا باشند بهترین وسیله معرفی این آئین مقدس میباشد، ولی آیا همین مقدار کافی است؟

آیا وقت آن نرسیده که باشندت‌های انسانیت دردناک در جهان دهنده کسانیکه تازه وارد محیط ما میشوند از شوهر و یا بکار بهترین اصول تبلیغی اسلام تا این آئین پاک را بجهان نیاوردن نماییم؟

فقط برای دوسته

ان امیر المؤمنین علیه السلام کان یقول : لا خیر فی الدنیا الا

لا خیر جلیین : رجل یزاد فیها کل یوم احساناً و رجل یتدارک

منیته بالتوبه .

امیر المؤمنین (ع) میفرمود : دنیا خوبی ندارد مگر برای دوسته :

اول کسیکه هر روز يك كردار نیک بر اعمال نیکوی خود بیفزاید .

دوم کسیکه با توبه و بازگشت آماده مرگ خود باشد .

(الروضة من الکافی ج ۱ ص ۱۶۳)